

هراس از معرفت

در نقد نسبی انگاری

پل بوغوسیان

ترجمه

یاسر میردامادی



نشرگردن

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

نشر کرگدن: تهران صندوق پستی ۱۷۱۶ - ۱۳۹۵

www.kargadanpub.com

مجموعه معرفت‌شناسی معاصر - ۱

دیر مجموعه: بابک عباسی

(استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران)

هراس از معرفت: در نقد نسبی‌انگاری

نویسنده: پل بوغوسیان

مترجم: یاسر میردامادی

ویراستار: بابک عباسی

نسخه‌پرداز: عارفه خندق‌آبادی

مدیرهنری: سحر ترهنده

ناظر چاپ: علی محمدپور

لیتوگرافی: نقش سبز

چاپ و صحافی: ندای ایران

شابک: ۹۷۸-۰-۹۶۴۵۲-۳۷

چاپ اول: ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

یادداشت دبیر مجموعه

معرفت‌شناسی، در کنار متافیزیک و نظریه ارزش، یکی از سه قلمرو کهن فلسفه است. اهمیت این گونه از تأمل فلسفی ناشی از اهمیت باورهای ما، و اهمیت تماس شناختی درست با جهان (محیط و انسان‌های دیگر) است. اگرچه قدمت معرفت‌شناسی به قدمت خود فلسفه است، این شاخه از فلسفه در نیمه دوم قرن بیستم وارد مرحله جدید و پرباری از حیات خود شد، بهنحوی که شاید بتوان از تأسیس مجدد معرفت‌شناسی در این عصر سخن گفت. از آن زمان شتاب تحولات در این قلمرو نسبتاً سریع بوده است، و دردههای اخیر نیز تحت تأثیر تحولاتی در عرصه علوم زیستی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، و خود فلسفه، افق‌های جدیدی پیش روی این نوع فلسفه‌ورزی گشوده شده است.

در زبان فارسی نیز خوشبختانه بیش از یک دهه است که توجه و علاقه به این حوزه رو به افزایش است بهنحوی که معرفت‌شناسی به درس‌های مصوب دانشگاه‌ها در مقاطع تحصیلات تکمیلی نیز راه پیدا کرده است. این امر نیاز به متنوں متنوع و جدیدتر در این رشته را، در کنار متنوں آموزشی، مهم و گریزناپذیر می‌کند، متنوی که بتواند تصویری از این تحولات و عرصه‌های جدید عرضه کند.

در این مجموعه می‌کوشیم دستکم برخی از این افق‌های جدید را که سابقه چندانی در زبان فارسی نداشته است، معرفی کنیم. معرفت‌شناسی فضیلت، معرفت‌شناسی پدیدارشناسانه، معرفت‌شناسی تکاملی، و معرفت‌شناسی اجتماعی برخی از قلمروهای جدیدی است که این مجموعه سعی در معرفی آنها دارد. امیدواریم انتشار این متنوں مجال جدیدی برای تأمل و تعمق همه دوستداران معرفت پیدا آورد.

بابک عباسی

به مادرم، ملینه یال‌تزييان بوغوسیان
(نويسنده)

پارسي‌گردانide اين اثر را به دختركم «سوفيا» پيشکش مى‌کنم،
هم او که با قدم گذاشتن به دنيا، پدرش را – دستكم از اين جهت – به
مقام «فليوسوفيا» رساند.
(مترجم)

فهرست

۱	یادداشت مترجم
۳	معرفی کتاب هراس از معرفت (محسن زمانی)
۱۳	پیش‌گفتار
۱۷	۱. مقدمه
۲۷	۲. بر ساختن اجتماعی معرفت
۴۵	۳. بر ساختن واقعیات
۶۵	۴. نسبی‌سازی واقعیات
۸۵	۵. دفاع از نسبی‌انگاری معرفت
۱۱۳	۶. رد نسبی‌انگاری معرفت
۱۲۹	۷. حل یک تناقض‌نما
۱۴۷	۸. دلایل معرفتی و تبیین باور
۱۶۹	۹. پس‌گفتار
۱۷۳	ضمیمه ۱: هزارتوی نسبی‌انگاری اخلاق (پل بوغوسیان)
۱۷۹	ضمیمه ۲: نقد نسبی‌انگاری به چه کار می‌آید؟ (یاسر میردامادی)
۱۸۷	کتاب‌نامه
۱۹۲	نمایه

www.atharebartar.com

یادداشت مترجم

از باب پرهیز از کافری - که «کافر مخلوق، کافر خالق است»: من لم یشکر المخلوق، لم یشکر الخالق - و در آمدن به سلک شاکری، تکلیف مشتاقانه من است که کسانی را سپاس گزارم که در به ثمر رسیدن این پارسی گردانیده، از سر لطف، نقشی مهم ایفا کردند.

از دانشی دوست‌گرامی ام، جناب آقای دکتر جواد حیدری، که از «ترکان پارسی‌گو» و از «بخشنده‌گان عمر» است، سپاس دارم که نه تنها ترجمه این اثر را به من پیشنهاد کرد، بلکه در مدت طولانی ترجمه، بی‌منت و بی‌رشوت، از هیچ کوششی برای بهکرد آن فرونگذشت. امیدوارم تا جان در بدنه دارد، این سان فرشته‌خوی بماند.

از دوست دانشمندم جناب آقای دکتر بابک عباسی که او نیز از «ترکان پارسی‌گو» و «بخشنده‌گان عمر» است، متشرکرم که پیگیر چاپ این اثر در نشر نوپایی‌شان «کرگدن» بود، نشری که خلاف اسم پرمهابتتش مدیرانی لطیف، فرهیخته و غزال‌آسا دارد. همچنین دکتر عباسی از سر لطف تمام این اثر را ویراستاری شکلی و محتوایی کردند. ویراستاری دقیق، عالمانه و در عین حال منعطف ایشان به من چیزهای زیادی آموخت. برای ایشان دوام در بخشندگی عمر آرزو دارم. همچنین از دکتر محسن زمانی سپاس فراوان دارم که از روی لطف و احسان و در زمانی بهنگام نکات محتوایی و شکلی متعددی را در باب ترجمه این اثر متنزکر شد، نکاتی که در آخرین لحظات نهایی شدن کتاب اکثر آنها را پسندیدیم و بهکار بستیم.

و سرآخر، از همسر - به اسم و مسمی - ریحانه‌ام، سپاسی ویژه دارم که -

در این زمانه در به دری، دخل‌های قطراهای و خرج‌های اقیانوسی، و بلاهایی که بر سر آنانی فرود می‌آید که می‌خواهند «به شیوه خود باشند» – با تمام نداشتن‌های ظاهری و باطنی همسرش و فراز و فرودهای زندگی‌مان ساخت، تا سرآخر کار این ترجمه به سامان برسد. اگر نبود آنچه پشتیبانی‌های او، این ترجمه روی پیش‌خوان کتاب‌فروشی‌ها را به خود نمی‌دید. امیدوارم خلق نیکوی اش میراثی برای فرزندمان باشد – چنان‌که خلق نیکوی اش چنین است.

این اثر را به دخترکم سوفیا تقدیم کرده‌ام. هم‌او که در میانه پروقفه ترجمه این اثر، با نالهای کوتاه چشم به جهان‌گشود و حال که این اثر بر روی پیش‌خوان‌ها نشسته است، او نیز مدت‌هast که بر پای خود می‌ایستد. از سوی‌دای دل و پدرانه امیدوارم روزی در اوان جوانی، آن توان و مهارت را به دست آورد که از شجاعت پرسشگری – این میوه ممنوعه، که محصول رضوان عقلانیت است – برخوردار گردد و بر عقل خود بایستد. اما نکاتی چند در باب ترجمه: نخست اینکه، در موارد اندک‌شماری پانوشت‌هایی برای توضیح مطالب متن یا اشاره به ترجمه فارسی آثار مورد اشاره در کتاب افروده شده است که این پانوشت‌ها با علامت اختصاری «م» از پانوشت‌های اصل کتاب متمایز گردیده است. دو دیگر آنکه، مقاله کوتاهی از دکتر محسن زمانی در معرفی این کتاب افروده شد تا خواننده تصویری از استدلال‌ها و جهت‌گیری کلی کتاب پیدا کند. دیگر اینکه، این کتاب اگرچه در نقد نسبی‌انگاری است، به نسبی‌انگاری «اخلاق»، جز به اشارتی، نپرداخته است، زیرا تمرکز آن بر نقد نسبی‌انگاری «معرفت» است. بر این اساس، به نظرم مناسب آمد نوشته‌ای گویا و کوتاه از نویسنده در نقد نسبی‌انگاری اخلاق در قالب ضمیمه به این اثر افزوده شود. در پایان نیز یادداشت کوتاهی از مترجم در باب نسبی‌انگاری اخلاق آمده است.

و در انجام، حضرت بی‌نام را می‌خوانم برای هر آنچه در خور خواندن است.

یاسر میردامادی

شهر هیوم پرور ادینبرا

ymirdamadi@yahoo.com

معرفی کتاب هراس از معرفت

محسن زمانی

۱. مقدمه

«حقیقت نسبی است». «واقعیت ساختهٔ ماست». «هرکس قدرت دارد، واقعیت و اخلاق را می‌سازد». «پارادایم‌ها قیاس‌نایاب‌اند». «جهان مدرن با جهان سنتی متفاوت است». «پست‌مدرن‌ها نشان داده‌اند که نه صدقی وجود دارد و نه عقلانیت مستقل از سنتی». «این عقلانیتی که از آن دم می‌زنی ساختهٔ غربی‌هاست، ما باید عقلانیت خودمان را بسازیم». «نمی‌توان ثابت کرد که پزشکی جدید بهتر از پزشکی قدیم است. دورهٔ این اثبات کردن‌ها گذشته است». «مسحیت برای مسیحیان صادق است و اسلام برای مسلمانان». «انشتتن [کندا فی الاصل] نشون داده که همهٔ چی نسبیه».

احتمالاً شما هم چنین جمله‌هایی را شنیده‌اید. معمولاً کسانی را که این‌گونه ادعاهایی می‌کنند «نسبی‌انگار» می‌خوانند. نسبی‌انگاری دربارهٔ هر حوزه‌ای، اجمالاً، بدین معناست که در آن حوزه واقعیتی مستقل از اشخاص و جامعه‌ها وجود ندارد. نیازی نیست که جست‌وجوی زیادی کنیم تا دریابیم نسبی‌انگاری، یا آنچه گمان می‌شود نسبی‌انگاری است، در ایران بسیار پر طرف‌دار است، مخصوصاً در میان تحصیل‌کرده‌گان. اگر در خیابان‌های تهران، مثلًا، به عامی‌ای بگویی که اگر انسانی نمی‌بود، کوهِ دماوندی در کار نمی‌بود، احتمالاً دیوانه‌ات خواهد پنداشت. ولی در همین تهران، اگر به

خیلی از تحصیل کرده‌گان بگویی فکر می‌کنی کوه دماوند، الکترون یا برخی ارزش‌های اخلاقی مستقل از ما انسان‌ها وجود دارند، به احتمال زیاد باید منتظر باشی که سخن رانی‌ای درباره توماس کون، دلوز، فیزیک کوانتم، کلان روایت‌ها یا چنین کسان و چیزهایی بشنوی؛ خود اگر متهم به دگم و فناتیک بودن نشوی.

این همه بدین معنی نیست که نسبی‌انگاری از سنخ مشهورات بی‌مبنای است و شایسته تأمل و تدقیق نیست. اتفاقاً فیلسوفان بزرگ و دانشمندان علوم تجربی یا انسانی برجسته‌ای، چه در بین متقدمین و چه در بین متاخرین، چه در بین قاره‌ای‌ها و چه در بین تحلیلی‌ها، نسبی‌انگارند. اما همانند هر مرام و مکتبی که مدد می‌شود، نسبی‌انگاری هم در معرض این خطر است که بد فهمیده شود. مشخصاً ممکن است چنین دردرسی رخ دهد: صورت‌بندی مبهمی از آن به دست داده شود، بدین معنی بین تعبیرهای متفاوت از آن نتوان به راحتی تمیز گذارد. چنان‌که با در نظر داشتن تعبیر درستی از آن صورت‌بندی، گمان کنند که تعبیر یا تعبیرهای دیگر آن هم درست‌اند. بگذارید چند مثال بزنم.

ادعای ۱: این که اخلاط اربعه وجود ندارند، برای تو صادق است،
نه برای من.

تعبیر اول: تو این را صادق می‌شمری که اخلاط اربعه وجود ندارند.
من آن را صادق نمی‌شرم.

تعبیر دوم: هم باور تو به اینکه اخلاط اربعه وجود ندارند، به یک معنی از صدق، صادق است و هم باور من به اینکه اخلاط اربعه وجود دارند، به یک معنی دیگری از صدق، صادق است.

ادعای ۲: باور به اینکه اخلاط اربعه وجود ندارند، برای تو عقلانی است، نه برای من.

تعبیر اول: تو شاهدهایی داری که باور تو را به اینکه اخلاط اربعه وجود ندارند عقلانی می‌کنند. من شاهدهای دیگری دارم که باور مرا به اینکه اخلاط اربعه وجود دارند عقلانی می‌کند.